



معارف اسلامی

درآمدی بر اقتصاد اسلامی

آیه الله موسوی اردبیلی

مقدمه :

درباره اقتصاد اسلامی سخنان بسیاری گفته شده است. در کتابنامه‌هایی که در این رابطه منتشر گردیده، به صدها کتاب و هزاران مقاله، پیرامون اقتصاد اسلامی اشاره شده است. علاوه بر این سمینارها و کنفرانسهای متعددی در سطح داخلی و خارجی برگزار شده و هنوز برقرار می‌گردد. اما متأسفانه تاکنون نتایج مطلوبی حاصل نشده است. نه تعریفی مناسب از اقتصاد اسلامی صورت گرفته است، نه نظام اقتصاد اسلامی به شکلی اصولی تبیین گردیده است، و نه روشهایی دقیق برای مطالعه و بررسی در اقتصاد اسلام تدوین شده است. هدف ما در این نوشته این است که در قالب یک بحث ابتدایی تا حد ممکن به رفع نواقص فوق مبادرت کنیم. البته در این زمینه باید تأکید کنیم که ادعایی نداریم که حرف آخر را زده باشیم، لذا از صاحب‌نظران و علاقه‌مندان به بحثهای اقتصاد اسلام چه در حوزه و چه در دانشگاه انتظار داریم با پیشنهادات و انتقادات علمی خود، ما را یاری دهند تا بتوانیم تصویری کلی و منسجم از اقتصاد اسلامی ارائه دهیم.

همان طور که اشاره شد با وجودی که تلاشهای زیادی در این زمینه صورت گرفته است، اما همچنان موضوع مذکور نیاز به بازنگری و تدوین دقیق دارد.

چکیده :

در این گفتار به چند نکته کلی اشاره می‌کنیم: او: بررسی، تحقیق و مطالعه در مسلمان و حتی برای هر محقق بی طرفی نیز روشن و واضح است. ثانیاً: همان طور که از عنوان این نوشته پیدا است، هدف ما اشاره به بعضی از موارد کلی در مقوله اقتصاد اسلامی است. لذا نباید انتظار یک بحث جامع از آن داشت. ثالثاً: ما معتقدیم اسلام دارای نظام اقتصادی است. و آن نظام اهدافی دارد و برای تحقق آن اهداف، یک سلسله ابزارها نیز در اختیار دارد. رابعاً: به نظر ما مطالعه و بررسی در اقتصاد اسلام، روشهای خاص خود را نیز دارا می‌باشد. در این مقاله کوتاه در نظر داریم اجمالاً به موارد مذکور اشاره کنیم.

تعریف اقتصاد اسلامی و تأثیر نهادها بر اقتصاد

انسان مسلمان معتقد به اصالت خدای تعالی، مالکیت او و قانونگزاری از ناحیه او می‌باشد. در مکتب اسلام انسان در تمامی رفتارهایش در جستجوی کسب رضای خدا می‌باشد و به دنبال اشباع انگیزه‌های فردی و شخصی و ارضای حس افزون طلبی نیست؛

تولیدی و توزیعی‌اش متناسب با همان اندیشه است. انسان آن دوره در اصل، انسانی است که اصالت را از خدا گرفته و به خود بخشیده است. لذا این اقتصاد نمی‌تواند همان اهداف و اصولی را داشته باشد که یک اقتصاد اسلامی دارا است.

با توجه به این که علم اقتصاد فعلی در واقع علم بررسی پدیده‌های دوران سرمایه‌داری است و انسان آن دوره و فروض و شرایط همان دوران مبنای آن بوده‌است، ویژگیهای مخصوص به خود دارد. نحوه تفکر انسان، اومانیستی بوده، رفتارهای



به عبارت دیگر غایت تکاپوی انسانی در فرهنگ اسلامی، قرب به خدا است. در نتیجه نمی‌توان پذیرفت همان تئوریها، الگوها، روابط موجود بین متغیرها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاریهایی که در اقتصاد سرمایه‌داری حاکم است در اقتصاد اسلام نیز حاکم باشد. بنابراین حتی تعریف اقتصاد اسلامی با تعریف اقتصاد در چارچوب سرمایه‌داری متفاوت خواهد بود. (۱) به نظر ما، مناسب است که اقتصاد اسلامی به این صورت تعریف شود:

« اقتصاد اسلامی عبارت است از یک سلسله دستورات و قوانین شرعی که در ارشاد و هدایت مردم در امر تولید و توزیع و خدمات و مصرف صحیح به منظور جلوگیری از مشکلات مادی و رفع نیازمندیها و از بین بردن فقر و استضعاف و جلوگیری از تکاثر، بر اساس حق و عدل به نحوی منسجم تدوین شده‌اند. »

با توجه به مضمون تعریف فوق ملاحظه می‌شود که عناوین و موضوعات و کاربردهای اقتصادی در اسلام ضمن این که می‌تواند مشترکاتی با سایر نظامهای اقتصادی داشته باشد، دارای خصوصیات منحصر بفرد نیز باشد. همین که در این تعریف قانونگذار اصلی شارع مقدس می‌باشد، یک تفاوت کلیدی بین اسلام و غیراسلام خواهد بود. اما در عین حال

می‌توان جنبه‌هایی از زندگی اقتصادی را نشان داد که اسلام و غیراسلام در آن برخورد یکسانی داشته باشد. مثلاً در جایی که بحث روشهای تولید و توزیع و کاربرد یا عدم کاربرد تکنولوژی است، اسلام و غیراسلام می‌توانند ابزارهای مشترکی داشته باشند. امروزه کلیه نظامهای اقتصادی جهان از تکنولوژی صنعتی تقریباً استفاده واحدی می‌کنند. آنچه برای آمریکا، انگلیس و دیگر کشورهای صنعتی و نیز به نحو روزافزونی برای ایران، چین و هندوستان (که در حال صنعتی‌شدن هستند) مشترک است، تکنولوژی صنعتی است که تولید با مقیاس بزرگ را مورد تأکید قرار می‌دهد. به عبارت دیگر تکنولوژی صنعتی تا حدود قابل توجهی از لحاظ ایدئولوژی بیطرف است. کشورهای سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلامی، همگی می‌توانند از خطوط تولید یکسانی استفاده کنند. مهندس، خواه در آمریکا باشد یا در روسیه و یا در هر جای دیگر، با مسایل تکنیکی تقریباً واحدی مواجه است. اما علاوه بر قالب تکنولوژیک، در همه نظامهای اقتصادی، یک سری امور نهادی و امور ایدئولوژیکی نیز مطرح است. این جا می‌خواهیم تأکید کنیم که تفاوت‌های موجود در نظامهای اقتصادی، بیشتر به این دو جنبه مربوط می‌شود. نهادهایی مانند،

اهداف و اصول اقتصاد اسلامی

اهداف اقتصاد اسلامی با ایدئولوژی آن پیوندی ریشه‌ای دارد. البته می‌توان نشان داد که این ارتباط و پیوند اهداف و ایدئولوژی، مختص اسلام نبوده و در سایر نظامها نیز چنین است. ایدئولوژی است که در نظام سرمایه‌داری رهنمود حاکمیت

مالکیت، سیستم پولی، واحدهای تولیدی، سازمانهای کارگری، سیاست‌گذاری‌های دولتی و امور مشابه که در کشورهای مختلف بسیاری از خدمات اقتصادی را انجام می‌دهند، بر اساس نظامهای حاکم بر آن کشورها متفاوت می‌باشند. قالب نهادهای مذکور در کشورهای سرمایه‌داری مبتنی بر مالکیت خصوصی است و در کشورهای سوسیالیستی (سابق) بر مبنای مالکیت دولتی است.

این نهادها با این که ممکن است از جهات اجرایی و کارشناسی، باز هم مسایل مشترکی در همه نظامها (سرمایه‌داری، سوسیالیستی و اسلامی) دربرداشته باشند، اما هر یک تحت تأثیر مبنای ایدئولوژی خاصی می‌توانند قرار گیرند. ایدئولوژی یا مجموعه عقاید و افکار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که هرملت در نتیجه تأثیر متقابل افراد و گروهها و محیط فرهنگی خود دارا می‌باشد، می‌تواند بر تمامی واحدهای اقتصادی یک کشور و نحوه ارتباط و پیامدهای کلی آنها سایه افکند. لذا یک فرق اساسی بین اقتصاد اسلامی و سایر نظامها نیز در همین بستر قرار دارد؛ که در بحث اهداف و اصول اشاره بیشتری به آن می‌شود.

راستای تحقق آن اهداف و اصول را دارد. همین حساسیتهای ایدئولوژیک است که عدالت اجتماعی، مبارزه با فقر و استضعاف و مبارزه با ثروت اندوزی را در نظام اسلامی به عنوان پایه حرکت اقتصادی تدوین می‌نماید .

بخش خصوصی و مکانیسم بازار را می‌دهد. ایدئولوژی است که در نظامهای متمرکز، جهت‌گیری اقتصادی را بسوی دولتی شدن ترسیم می‌کند. و ایدئولوژی است که با بیان حساسیتهای مربوط به اهداف و اصول اقتصاد اسلامی، تقاضای برنامه‌ریزی در



علم اقتصاد فعلی در واقع علم بررسی پدیده‌های دوران سرمایه‌داری است و انسان آن دوره و فروض و شرائط همان دوران مبنای آن بوده است

در مکتب اسلام انسان در تمامی رفتارهایش در جستجوی کسب رضای خدا می‌باشد و به دنبال اشباع انگیزه‌های فردی و شخصی و ارضای حس افزون طلبی نیست

به عبارت دیگر غایت تکاپوی انسانی در فرهنگ اسلامی، قرب به خدا است. در نتیجه نمی‌توان پذیرفت همان تئوریها، الگوها، روابط موجود بین متغیرها، برنامه‌ها و سیاست‌گذاریهایی که در اقتصاد سرمایه‌داری حاکم است در اقتصاد اسلام نیز حاکم باشد

از این آیات می‌شود اشاره کرد به (الهیکم التکاتر) (۵) و همین طور به سلسله آیات (ویل لكل همزه لمزه الذی جمع مالا وعدده یحسب ان ماله اخلده) (۶) که در آیه اولی با اعلام نوعی هشدار به هرنوع ثروت‌اندوزی و تکاثر طلبی است. و در آیات بعد می‌فرماید «وای بر هرعیب جوی هرزه زبان، آن کسی که اموال را گردآورده همواره برشمارش آن سرگرم بوده، گمان می‌برد که این مال است که او را جاودان گرداند.»

دسته چهارم: آیاتی که به منع استثمار و بهره‌کشی اشاره می‌کند. مفاد بعضی از آیات، کم فروشی و نوعی دزدی در معاملات و ضایع نمودن اموال مردم

وایتاء ذی القربی ... (۲) در این آیه خداوند فرمان به عدل و نیکوکاری می‌دهد و در ارتباط با رسیدگی به ارحام و خویشان تأکید می‌نماید. و یادرجایی دیگر می‌فرماید (ولایجرمنکم شننان قوم علی الاعتدلو، اعدلوا هو اقرب للتقوی ... (۳) «کردار ناپسند گروهی شما را وادار نکند که از مسیر عدالت بیرون روید، بلکه به عدالت حکم کنید که به پرهیزگاری نزدیکتر است.»

دسته دوم: آیاتی است که توجه به ریشه‌کشی فقر و استضعاف مالی دارد. برای نمونه می‌توان اشاره کرد به:

(ارأیت الذی یکذب بالذین فذالک الذی یدع الیتیم و لایحض علی طعام المسکین) (۴) «آیا دیدی آن که دین را باور نداشت، پس او همان است که یتیم را بحال خود رها نمود و برای اطعام بیچارگان تشویق و ترغیب ننمود؟»

دسته سوم: آیاتی را دربرمی‌گیرد که به منع ثروت‌اندوزی و مبارزه با نباشت ثروت (بطورراکد) توجه دارد.

دین اسلام، دین تربیت و هدایت انسانهاست و برای رساندن انسان به کمال مطلوب تشریح شده است. ضمن توجه به جنبه‌های معنوی، به اقتصاد نیز نظر خاصی دارد. در این رابطه اسلام از طرفی دارای اهداف و اصولی اقتصادی روشن است و از طرف دیگر اصول و اهداف مذکور منسجم و هماهنگ هستند. در مرحله نهایی اسلام برای حصول اهداف و اصول موردنظر، دارای ابزار و وسایلی نیز می‌باشد. در این جا ضمن اشاره به بعضی از اهداف، به تعدادی از ابزارها نیز اشاره می‌کنیم. قبل از اشاره به آیات و روایاتی در این زمینه بطورکلی متذکر می‌شویم: اصول پایه‌ای اسلام می‌تواند شامل: عدالت، ریشه‌کشی فقر و استضعاف، منع ثروت‌اندوزی، منع استثمار و امثال آن باشند. و برای حصول این اهداف، اسلام برابرارهایی از قبیل: منع اسراف و تبذیر، منع اختلاس و احتکار، منع ربا و رشوه، توزیع عادلانه ثروتها و درآمدها، استفاده از انفال و ثروتهای عمومی، برنامه ریزی در کشاورزی و دامپروری برای رفع نیازهای اولیه، انفاقات و صدقات و زکوات و اخماس توجه به کارمفید اقتصادی (واهمیت به حقوق کارگر)، و دیگر وسایل استوار می‌باشد. نمونه‌هایی از آیات شریفه قرآن را در تأیید پایه‌های مورد نظر در اقتصاد اسلام ذکر می‌کنیم. بدیهی است اشاره به آیات مذکور صرفاً جنبه تذکر داشته، بیانگر انحصار این آیات به موارد بحث نمی‌باشد. در این جا به چند دسته از آیات اشاره می‌شود.

دسته اول: آیاتی هستند که می‌توان براساس آنها درک کرد که جامعه‌ای را پیشنهاد می‌کنند که براساس عدل بوده، دور از هر نوع تعدی و تجاوز می‌باشد. در یکی از این آیات آمده است: (ان الله یأمر بالعدل والاحسان

رامورد نهی قرار می‌دهد که به نظر مابه نحوی از مصادیق استثمار می‌باشد مثلاً این آیه شریفه :

(ورنوا بالقسط المستقیم ولاتبخسوناس اشیائهم ولاتعوافی الارض مفسدین) (۷)

« که ای مردم آنچه می‌فروشید باسنگ تمام بدهید واز کم فروشی حذر کنید (واموال مردم را برگردانید) وباین وضع بذرفساد در زمین نپاشید .»
ویادرایه دیگر می‌فرماید :

(ولاتنس نصیبک من الدنیا واحسن کما احسن الله الیک ولاتبغ الفساد فی الارض) (۸)

یعنی « بهره‌ات را از دنیا فراموش مکن و تا می‌توانی به خلق خدائیکی کن ودر روی زمین خواهان فساد مباش .»
دسته پنجم : آیاتی که درارتباط بارفع اختلافات طبقاتی بوده وتاکید برچرخش سرمایه در دست همگان دارد. در یکی ازاین آیات پس از دستور درمورد تقسیم فیء می‌فرماید :

(... کی یکون دوله‌بین الاغنیاء منکم ...) (۹) «

اقتصاد اسلامی عبارت است از یک سلسله دستورات و قوانین شرعی که در ارشاد و هدایت مردم در امر تولید و توزیع و خدمات و مصرف صحیح به منظور جلوگیری از مشکلات مادی و رفع نیازمندیها و از بین بردن فقر و استضعاف و جلوگیری از تکاثر، بر اساس حق و عدل به نحوی منسجم تدوین شده‌اند

علاوه بر قالب تکنولوژیک، در همه نظامهای اقتصادی، یک سری امور نهادی و امور ایدئولوژیکی نیز مطرح است

... من فیء رابه اشخاص معین
ازمستضعفین اختصاص دادم تاموجب
افزایش، ثروت ثروتمندان نباشد.»
دسته ششم : آیاتی که توجه به دوری
ازاسراف وتبذیر ومقابله بامصرفگرایی دارد.
از جمله این آیات، آیه شریفه (... واهلکنا
المسرفین) (۱۰) است که می‌فرماید
«اسراف کنندگان را به هلاکت
رساندیم .» ونظیر این، (کلوا واشربوا
ولاتسرفوا) (۱۱)
می‌باشد که از اسراف منع می‌فرماید.
تذکر نهایی دراین قسمت این است که

او : ماتنها به یک مجموعه از آیات
شریفه اشاره کردیم. وهمان طور که گفتیم
صرفاً بعنوان بیان مواردی از توجه قرآن به
اقتصاد بود ودریک بحث تکمیلی می‌توان
موارد فراوانی از دیگر آیات وروایات
راضیمه ساخت. ثانیاً: فقط به ترجمه
ساده آیات مورد بحث اکتفانمودیم.
ومی‌توان دربحث مستقلی به استدلال
آیات مذکور وتفسیر آنهاپرداخت. چون
هدف دراین نوشته (همان‌طور که قب نیز
اشاره شد) صرفاً درآمدی براققتصاد اسلام،
است وبه همین موارد بسنده می‌نماییم .

روش پژوهش و بررسی در اقتصاد اسلامی

اسراف، تبذیر، ساده زیستی تجمل‌پرستی،
مسأله ظروف طلا و نقره، آلات و ابزارهای
طلا ونقره، تزئینات طلا وحریر برای مردها
بررسی کار در اسلام، تجارت در اسلام،
کشاورزی و زراعت، خرید وفروش واجاره
بحث شرکت، قالب کلی حقوق مالی
وموضوع قرض الحسنه .
۳ - بررسی قواعد فقهی مالی مانند :
قاعده تسلیط، احکام عقود، بحث ائتلاف
اموال وضمن، مسأله مالکیت کالاها
ومطالعه چارچوب بازار در اسلام وامثال آن.

است و در یک مقاله جداگانه می‌توان
شیوه‌های اجرایی وریز آنها رادرچارچوب
استدلال فقهی واقتصادی بیان نمود .
۱ - مطالعه و بررسی درمتون اسلامی
از کتاب وسنت، فقه وسیره، تاریخ اسلام
وتاریخ مسلمین صدراسلام، مطالعه هرآنچه
مربوط به معیشت وزندگی وروابط مالی
ومادی مسلمین بوده است. مثلاً بررسی
خمس، زکات، انفال، صدقات، انفاق، ارث،
ربا، احتکار، احیاء موات، مالکیت‌های
خصوصی وعمومی .
۲ - بررسی مطالبی درمورد قناعت

دراین جا بطوراختصار و فهرستوار به
روشهایی اشاره می‌کنیم که به نظر ما برای
انجام یک تحقیق جامع در اقتصاد اسلامی
مفید می‌باشد. موارد مذکور هم روشهای
مطالعه متون اسلامی رادربردارد، وهم
تذکراتی به محققان می‌باشد. درضمن
چون برای یک بررسی همه جانبه در اسلام
لازم است به مقدار کفایت از امور اقتصاد
روز اطلاعاتی در دست باشد، درمیان
روشهای ذیل به گوشه‌هایی ازاین امور هم
اشاره شده است. تذکراتی پایانی این که
روشها همانند خود این مقاله کام کلی

۴ - بازنگری مفاهیم فوق بادر نظر گرفتن تحولات زمان و نیازهای روز. مثلاً بازنگری در مورد مصرف خمس، تعیین مقدار زکات و تعیین محدوده کالاها و اموال مشمول زکات، بررسی مجدد احکام انفال، بررسی ملک و حق و حکم، بررسی احکام مالکیت، بررسی دقیق و جدید احتکار و ربا و احیاء اموات در زمانهای فعلی.

۵ - تحقیق پیرامون موضوعات مستحدثه، از قبیل : حکومت، ولایت مستقیم و غیرمستقیم، تنظیم خانواده، مسأله جمعیت، بیمه، شرکتهای تضامنی و تعاونی، شخصیتهای حقوقی، قراردادهای بین‌المللی، مقاله‌نامه‌ها، قالب کلی روابط کارگر و کارفرما، بررسی مستقل پدیده ماشین و ماشینیسم و پیامدهای آن .

۶ - شناخت و مطالعه دقیق شرکتهای چندملیتی، نحوه کارکرد و تکنیکهای خاص اجرایی آنها، تحقیقی مستقل در مورد ضرورت نظام بانکی، بررسی چارچوب گردش پول، بررسی ارتباط بازرگانی داخلی و خارجی، بررسی چارچوب تراست‌ها و کارتلها، بررسی جوانب مختلف استقراض خارجی و آثار آن .

۷ - بررسی پول داخلی، ارتباط پول داخلی و خارجی، مشخص نمودن چارچوب تولید داخلی، و بررسی ثروتهای ملی، درآمد سرانه .

۸ - شناسایی نقش انسان به عنوان محور اساسی مطالعه علوم اجتماعی (و من جمله اقتصاد) هم از دید اسلامی و هم از نظر رفتارهای واقعی آن .

۹ - نقد و مطالعه نظامهای اقتصادی موجود جهت مقایسه با مکتب اقتصادی اسلام .

۱۰ - پس از بررسی موضوعات مذکور

گاهی در منابع اسلامی حکمی و دستوری مطرح شده، که از زوایای مختلف مورد توجه بوده است. و لازم است از جوانب مختلف بررسی شود و تنها به یک جنبه آن بسنده نگردد

اصول پایه‌ای اسلام می‌تواند شامل : عدالت، ریشه کنی فقر و استضعاف، منع ثروت‌اندوزی، منع استثمار و امثال آن باشند

باید توجه داشت که تنها رجوع به کتب فقهی برای استخراج حکم شرعی کافی نیست ؛ زیرا ممکن است موضوعاتی باشد که در کتب فقهی عنوان نشده باشند اما از منابع اولیه قابل استخراج باشند

بار شود. ممکن است مثلاً بهره از نظر اقتصادی توجیه داشته باشد ولی در فقه نظر دیگری در مورد آن باشد. همین طور مسایلی از قبیل احتکار، استضعاف، تجمع ثروت، استثمار و استثمار و امثال آنها. ۱۴ - پس از طی کردن قدمهای فوق و بررسی ارتباط بین آنها و تشخیص فقهی و شرعی آن، می‌توان با کمک درک دقیق مبانی اسلام و اقتصاد و با شناخت همه جانبه مسایل جامعه، به ترسیم یک الگوی نسبتاً جامع برای اقتصاد اسلام مبادرت ورزید .

پی نوشت :

- ۱) جهت اطلاع از تعریف و یا تعاریف گوناگون علم اقتصاد، علاقه مندان می‌توانند به متون مدون اقتصادی مراجعه نمایند .
- ۲) سوره نحل آیه ۹۳ .
- ۳) سوره مائده آیه ۸ .
- ۴) سوره ماعون آیه ۳۱ .
- ۵) سوره تکوین آیه ۱ .
- ۶) سوره همزه آیه ۳۱ .
- ۷) سوره شعراء آیه ۱۸۴ تا ۱۸۳ .
- ۸) سوره قصص آیه ۷۷ .
- ۹) سوره حشر آیه ۷ .
- ۱۰) سوره انبیاء آیه ۹ .
- ۱۱) سوره اعراف آیه ۳۱ .

در متون دینی و اقتصادی، وظیفه محقق این است که تلاش کند او : ارتباط آنها را ارزیابی کند و ثانیاً : کوشش نماید که حکم شرعی آنها را استخراج نماید .

۱۱ - باید توجه داشت که تنها رجوع به کتب فقهی برای استخراج حکم شرعی کافی نیست ؛ زیرا ممکن است موضوعاتی باشد که در کتب فقهی عنوان نشده باشند اما از منابع اولیه قابل استخراج باشند .

۱۲ - یک تذکر به محقق در این مباحث این است که جانب تعادل را حفظ کرده، از افراط و تفریط دور باشد. به عبارت دیگر از روشنفکری به اصطلاح روز احتراز کند و هر احتمال را به اسلام نسبت ندهد. گاهی در منابع اسلامی حکمی و دستوری مطرح شده، که از زوایای مختلف مورد توجه بوده است. و لازم است از جوانب مختلف بررسی شود و تنها به یک جنبه آن بسنده نگردد.

۱۳ - تذکر دیگر به محققان در اقتصاد اسلام این است که توجه داشته باشند بحث‌ها ریشه‌یابی شوند. گاهی ممکن است یک موضوع از لحاظ اقتصادی یک نتیجه داشته باشد و از نظر فقهی آثار دیگری بر آن

